

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

|       |           |
|-------|-----------|
| سیاسی | Political |
|-------|-----------|

حمید عطاء ادم  
۹ مارچ ۲۰۰۹

## آیا واقعاً آقای کرزی مشت منافقین را باز کرد؟!

قضیه انتخابات برای دومین دوره ریاست جمهوری در پرتو قانون اساسی جدید کشور از مدت بیشتر از یکسال است که مورد بحث های داغ حلقات ذیعلاقه قرار گرفته، زد و بند ها، پیش بینی ها و دور اندیشی های مختلفی را همراه داشت. در بین میان سردرگمی کمیته برگزاری قانون اساسی در مورد تعیین دقیق تاریخ برگزاری انتخابات، آب بیشتری در آسیاب حدس و گمانها فرو ریخت.

کمیته برگزاری انتخابات هم خود را بمثابة قوه چهارم دولت (اگر خود را جزء دولت بداند)، و یا قوه مجزا از دولت که اراده اش مافوق اراده دولت و نص صریح قانون اساسی کشور میباشد، تبارز داده هر بار نظرات گنگ و مبهمی در قسمت برگزاری انتخابات و تاریخ آن ارائه میکرد.

این کمیته در طول چندین سالی که به بهانه انجام این منظور دفتر و دیوانی را مصروف نگه داشته بود، چنان نشان داد که وی را به قوانین و تعهدات ملی، که بالای همه آنها قانون اساسی قرار دارد، هیچ دخل و غرضی نیست، و الا قانون اساسی در مورد زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری صراحت کامل دارد و مخالفت با قانون اساسی اصلاً جای بحث و گفت و گو را ندارد.

اینکه دلایل ارائه شده از جانب کمیسیون مستقل انتخابات، مبنی بر تأخیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از موعد تصریح شده آن در قانون اساسی کشور، تا کدام اندازه بجا بود، چیزیست که باید افراد متخصص در قانون به آن برسند، اما نکاتی هم هست که به هر هموطن ما و از جمله برای من هم، جای بحث را در آن باز نگه میدارد. اینست: که چرا رئیس جمهور منحیث فرد اول دولت، در طی چند هفته گذشته از موضعی به موضعی در خیز و جست بود؟!.

آنچه از جلسه خبری آقای کرزی (تاریخ ۷ مارچ / آژانس اطلاعاتی باخترا) معلوم میشود، اینست که آقای کرزی در این حرکات و ژستهایی که گرفت خواست تا مشت عده ای را در برابر مردم و تاریخ باز نماید.

آنگاهی که زمزمه های تأخیر در موعد برگزاری انتخابات شنیده شد، بگوش ما همزمان مخالفت عده ای، چه فردی و یا هم گروهی بلند گردید. و زمانی که این تأخیر از جانب کمیسیون مستقل (!!!) انتخابات اعلان گردید، سر و صداها هم بلند تر شده، هواخواهان (( حقیقی یا تقلبی )) قانونیت در افغانستان خواهان احترام به قانون اساسی کشور شدند و مخالفت با آن را، کاری غیر اصولی و خلاف دانستند. به نظر من این قانون پسندان در فکر این بودند ، که آقای کرزی ازین تأخیر سود میبرد، لذا بنا بر منطق و شخصیت های عقده پی خود مخالفت با آن را شروع کردند.

چندی بعد ظاهراً آقای کرزی خود را در مخالفت با قرار و فیصله کمیسیون انتخابات نشان داده، خود را مطابق درخواست معترضین، حامی قانون اساسی ساخته و **فرمانی** را در این زمینه صادر کرد که : انتخابات باید مطابق قانون اساسی، قبل از ختم دوره ریاست جمهوری برگزار گردد! . بلافاصله همان مخالفین قبلی از هر گوشه صدایی در مخالفت با این فرمان بدر کرده ، اینبار فرمان کرزی ( رئیس برحال دولت ) را در تطبیق قانون اساسی ، کار غیر قانونی دانسته و برای آن حجت و برهان آوردند که کرزی از این کار (انتخابات مطابق به صراحت قانون اساسی) به نفع خود استفاده میبرد. و طبعاً موقف و وضعیت هواخواهان تطبیق قانون اساسی هم تغییر کرد، زیرا این قماش افراد دیگر هیچ غم و همتی ندارند، مگر مخالفت! برای ایشان مصلحت عموم مردم، وطن، و حتی نسل های آینده هم مطرح نیست، اینها منتظر اند تا حریف! را ببینند که چه میکند، آنگاه در تضاد با حریف موضع خود را محکم میگیرند، و برای نظر و فکر خویش قطاری از دلائل و علل را پیهم میبندند.

باز هم کرزی موضع خود را تغییر داد و صراحتاً از فیصله کمیسیون انتخابات، پشتیبانی خود را اعلام داشت، اینجا همانگونه که از محتوای صحبت های کرزی معلوم میشود، هدف وی بر ملاکردن چهره های حرفوی مخالفینش بوده است ، چون کرزی خودش هم از ابتداء ( بنا بر گفته های وی در جلسه خبری اش) طرفدار تأخیر انتخابات بود.

### **در این جار و جنجال انتخابات، چند نکته برآزنده، تجلی خاصی برای خود دارد:**

۱ - موضعگیری های متناقض و عقده پی، گروهها و افرادی که دائماً خود را در تریبون اپوزیسیون میخ میکنند ، همیشه با حریف شان روی مصالح فردی و گروهی در تضاد و مخالفت قرار دارند. از دید ایشان هرگز و هیچگاهی حریف شان کار درست انجام نمیدهد، و خودش هم هیچوقتی کار نادرستی نکرده و نمیکند!! و یا اینکه تا زمانی که نفع میبرند و یا در کرسی های بلند نصب شده اند، هیچ مخالفتی ندارند، اما همین که از منافعشان کاسته شد سر مخالفت و ناسازگاری را میگیرند.

قابل یاد اوری است ، آن عده افرادی که مخالفت شان نه روی مصالح فردی و گروهی است، حسابشان از افراد یاد شده در بالا جداست. اینگونه مخالفین و معترضین در صورت عدول حریف شان از نظر خود، پشتیبانی صریح خود را از وی اعلان میکنند، نه اینکه باز هم مخالفت را دوام دهند.

۲ - استفاده کرزی از وضعیت نامنسجم مخالفین قسم خورده اش، با تغییرات تاکتیکی در تحدید تاریخ انتخابات ، قسمی که از جانبی دست و دهان حریف را ببندد، و از جانبی هم دوره ریاستش را تا ختم انتخابات رنگ قانونی بدهد، آنهم با استفاده از موضعگیری های قبلی مخالفین خود، و این حرکات کرزی میسراند که وی هم روی حسابات شخصی خودش، بخاطر تطبیق قانون اساسی کشور میگریست نه بخاطر قدسیت قانون اساسی.

۳ - موضعگیری قوت ها و قدرت های صاحب نفوذ بین المللی و کشورهایی که زیر نام کمک به افغانستان، میخواهند در افغانستان حکومتداری کنند.

در اینجا به موقف حکومت امریکا که در تصریح وزارت خارجه شان، مخالفت خود را با فرمان رئیس دولت یک کشور بخاطر پیاده کردن قانون اساسی، ابراز مینمایند و به جانبداری از کمیته برگزاری انتخابات داخل معرکه میشوند، میتوان اشاره کرد. این کشورها نباید بخود اجازه دهند تا در هر قضیه داخلی کشور دیگری به بهانه اینکه ما چند پولی میدهم، مداخله نمایند. اینها اگر خواهان خیری برای ما میبودند باید کمیته برگزاری انتخابات را با دادن بودجه مورد ضرورت شان در وقت مناسب آن ( که آن کمیته درین مورد شکایت ها داشت)، تعقیب پروسه کاری آن کمیته، تا کارش را به وقت معین آن، همانگونه که قانون اساسی کشور حکم میکند، انجام دهند. و هم چنان در ایجاد فضای مطمئن برای انتخابات در کشور، که گویا تعهد آوردن یک فضای آرام را در افغانستان کرده بودند و برای آن اینهمه ساز و برگ نظامی را در کشور ما آورده اند، با کارهای سود مند و زیر بنایی میکوشیدند. نه اینکه با بمباردمنهای وحشیانه بر قراء و روستاهای ما فاصله میان مردم و دولت ایجاد نموده، سبب تقویت صفوف مخالفین گردند، و در نتیجه مردم ما در جحیمی از بد بختی ها سرگردان باقی بمانند.